



پوستر «فاشیسم را نابود کن» اثر پیر کاتالا پیک (Pere Catala Pic)، نویسنده و هنرمند اسپانیایی (سال ۱۹۳۶)؛
این پوستر به عنوان یکی از بهترین پوسترهای تبلیغاتی نیمه نخست سده بیستم شهرت یافته است. عکس از مزده حمزه تبریزی؛ موزه هنر ملی کاتالونیا، بارسلون، اسپانیا.

مافیا-توتالیتاریسم دیجیتال و قوانین مافیاپسند

نوشته علیرضا محمدی‌فر

وبگاه ریزپردازنده (rizpardazandeh.com)



▪ پی‌دی‌اف این مقالات رایگان است.
 ▪ استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع آزاد است.
 ▪ نشانی وب:
<http://www.rizpardazandeh.com>
 ▪ ایمیل: rizpardazandeh@gmail.com
 ▪ کانال تلگرام: @rizpardazandeh

فهرست

- اینترنت آدم‌ها (۷۰): مافیا- توتالیتزر دیجیتال در دوران پسادردن/۳
- رسانه‌های مدرن، پاشنه آشیل حکومت‌های توتالیتزر مدرن /۴
- نظام‌های توتالیتزر چگونه پدید آمدند؟ /۵
- توتالیتاریسم مدرن /۵
- توتالیتاریسم پست‌مدرن /۶
- ابزارهای پست‌مدرن سانسور را ناممکن کرده‌اند /۸
- تغییر ماهیت توتالیتاریسم /۱۰
- حکومت مافیا- توتالیتزر /۱۲
- دیوار «جان‌لئون» در پراگ /۱۳
- مایکل جکسون، نخستین نماد اعتراضی جوانان پس از انقلاب ایران /۱۴

یادآوری:

مانیتورهایی که در متروی مشهد با فناوری بازشناسی چهره توانمند شده با هوش مصنوعی، پاره‌ای از اطلاعات شخصی حاضران را نمایش می‌دهد است به هراس و نگرانی مردم از **توتالیتاریسم هوش مصنوعی** دامن زد و بهانه‌ای شد تا مقاله‌ای را منتشر کنم که قرار بود در همراه منتشر شود و برای انتشار به یک بازخوانی نهایی نیاز داشت که مصادف شد با فاجعه هولناک قتل جانسوز خواهرم و همسر دوست‌داشتنی‌اش. در این مدت فرصت و توان بازخوانی و نوشتن نداشتم.

این مقاله که بهانه نوشتنش بحث‌های تند میان دو روزنامه‌نگار مشهور کشورمان درباره اختناق توتالیتاریستی و آزادی در آن هنگام بود به توصیف و تحلیل و مقایسه **توتالیتاریسم مدرن و توتالیتاریسم پست‌مدرن** با **توتالیتاریسم هوش مصنوعی** پرداخته است.

این مقاله با برشمردن تجربه‌های محدود و شکست‌خورده **توتالیتاریسم هوش مصنوعی** به این نتیجه رسیده است که ابزارهای رسانه‌ای پسادردن تجهیز شده با هوش مصنوعی پاشنه آشیلی برای توتالیتاریسم هوش مصنوعی هستند و اجازه نخواهند داد که چنین سیستمی برپا شود. □

دنیای موسیقی سه افسانه دارد، که پر فروش‌ترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی متعلق به آنهاست: گروه بیتل‌ها، الویس پریسلی، و مایکل جکسون. توتالیتاریسم همواره با هر سه به شدت مخالف بوده است و هنر آنها را هنر بورژوازی یا هنر اهریمنی نام نهاده و آثار آنها را ممنوع ساخته است.

دهه ۱۳۶۰ در ایران دهه‌ای تاریک برای موسیقی‌دوستان بود. این دهه به لحاظ آزادی‌های اجتماعی و سیاسی یکی از سخت‌ترین سال‌ها در تاریخ معاصر ایران زمین بوده است. تلویزیون ماهواره‌ای یا اینترنت هنوز متداول نشده بودند.

اوج محبوبیت مایکل جکسون در این دهه بوده است که آلبوم تریلر (Thriller) خود را به بازار داد. در ایران او را نماد قوم لوط معرفی می‌کردند و نوارهایش نوارهایی شیطانی محسوب می‌شد. با همه محدودیت‌ها دوست‌داران فراوانی در ایران پیدا کرد.

امروز، با آن که همچنان نظام مبتنی بر فقهات آثار مایکل جکسون را آثاری شیطانی می‌داند، دیگر ممنوعیت ویدئوها یا آلبوم‌های این خواننده افسانه‌ای کاملاً بی‌معنی شده است. گوش کردن یا تماشای آثار او دیگر حتی به نوار یا سی‌دی نیاز ندارد، که نیروهای ایست و بازرسی می‌توانستند آنها را بشکنند یا مصادره کنند. امروزه هر آلبوم یا آهنگی به راحتی از طریق اینترنت قابل دسترسی است. مقابله با مایکل جکسون دیگر ناممکن شده است. این درجه از آزادی موهون فناوری اینترنت است، نه اراده نظام ولایت فقیه یا نظام‌های توتالیتزر.

تکثر یک ویژگی اجتناب‌ناپذیر دوران پسادردن است و برخلاف پیش‌بینی‌ها درباره توتالیتاریسم دیجیتال، همسان‌سازی توتالیتاریستی توده‌ها در این دوران به امری ناممکن تبدیل شده است.

(عکس از مژده حمزه تبریزی؛ مکان یادبود مایکل جکسون، روبه‌روی هتل Beyerischer Hof که محل اقامت او در سفر سال ۱۹۹۹ به مونیخ آلمان بود)

پیل اندر خانه تاریک بود

نظرات یکی از روزنامه‌نگاران مشهور کشورمان مبنی بر وجود آزادی عقیده در مطبوعات رسمی، روزنامه‌نگار مشهور دیگری را - که معتقد است در یک نظام **توتالیترستی** نمی‌تواند مطبوعات رسمی آزاد وجود داشته باشد - سخت آزرده کرده است. چرا بیان نظرات درباره آنچه روزانه در مطبوعات و در رسانه‌های اجتماعی ایران و جهان انتشار می‌یابد و همگی شاهد آنها هستیم فوق‌العاده تند شده است؟ آیا موافقان و مخالفان در دو سپهر مختلف زندگی می‌کنند و یا درباره یک موجود مختلف سخن می‌گویند که این حد از فاصله بین نظرات‌شان درباره یک موضوع قابل ارزیابی وجود دارد؟ یکی بر این باور باشد که آزادی هست و دیگری جز اختناق توتالیترستی چیز دیگری نبیند؟

ریشه چنین اختلافاتی در تعریفی است که معمولاً از **توتالیترسیم** و **مدرنیته** و **پست‌مدرنیته** ارائه می‌شود، که غالباً نظراتی اروپامحور هستند. از همین روی، با چنان تعریف‌هایی و با نگاه‌های سیاسی و غیرفنی نمی‌توانیم ماهیت موجود یا نظامی را که بر ایران حکمرانی می‌کند بشناسیم و در نتیجه با تحلیل‌هایی متناقض روبه‌رو می‌شویم.

به عنوان مثال، برای تعریف توتالیترسیم بیشتر به نوشته‌های **هانا آرنت**، فیلسوف پرآوازه آلمانی-آمریکایی مراجعه می‌کنیم. فیلسوفی که حدود نیم‌سده پیش در گذشت، که در زندگی خود توتالیترسیم آلمان نازی را با گوشت و پوست و استخوان خود تجربه کرده بود، و از ترس گرفتارشدن در آشویتس به آمریکا فرار کرد. گذشته از آن، فیلسوفان غربی نظرات گوناگونی در مورد **پسامدرنیته** و زمان آغاز آن مطرح کرده‌اند، که سبب شده است که در ایران نتوان بر اساس چنان نظریاتی به تحلیل‌هایی کاربردی دست یافت. از همین روی، بسیاری به اشتباه فکر می‌کنند که هنوز در ایران در دوران **مدرن** به سر می‌بریم، و **گذار** به دوران **پسامدرن** انجام نشده است. این در حالی است که آغاز دوران **پسامدرن** در سال ۲۰۱۰ پایان‌دهنده **توتالیترسیم مدرن** بوده است، و حتی پاره‌ای از اندیشمندان ظهور **توتالیترسیم پسامدرن** را - که وحشتناک‌تر می‌نماید - پیش‌بینی کرده‌اند.

بیشتر در مقاله «نگرش ایران‌محور به مدرنیته» - که نگرشی جهانی نیز هست - نشان داده‌ایم که گذارها از یک دوره به دوره بعد قانون‌مند هستند و بر اساس تحول در ابزارهای رسانه‌ای و رایانشی رخ داده‌اند. از همین روی، این نگرش قانون‌مند می‌تواند تحلیل‌ها درباره خصوصیات حاکم بر کشورمان را **همگرا**تر کند، و از اختلافات بکاهد. پی‌دی‌اف آن مقاله را می‌توانید از نشانی زیر دریافت کنید:

<http://rizpardazandeh.com/articles/riz304/riz304.pdf>

مافیا-توتالیتر دیجیتال در دوران پسامدرن

■ علیرضا محمدی‌فر

هانا آرنت^۱، فیلسوف پرآوازه، کتاب «ریشه‌های توتالیترانیسم^۲» خود را در سال ۱۹۵۱ منتشر کرد، یعنی ۱۰ سال پس از ساخت نخستین کامپیوتر رله‌ای قابل برنامه‌سازی دنیا به نام Z3^۳، توسط **کنراد تسوزه**^۴ آلمانی در دوران حکومت نازی‌ها و یا شش سال پس از ساخته‌شدن **اینیاک**^۵، نخستین کامپیوتر الکترونیکی دنیا در آمریکا. جهان کامپیوتر در این هفتاد سالی که از انتشار این کتاب آرنت می‌گذرد شاهد صدها و هزاران انقلاب کوچک و بزرگ بوده است، از اختراع **ترانزیستور** و **آی‌سی** گرفته تا ریزپردازنده و **گوشی موبایل** و **کلان‌داده‌ها**^۶. این اختراعات زیست‌جهان ما انسان‌ها را به شدت تغییر داده‌اند و همچنان که در مقاله «نگرش ایران‌محور به مدرنیته^۷» گفتیم در حوالی سال ۲۰۱۰ میلادی گذار از جهان **خردداده‌ها**^۸ به جهان **کلان‌داده‌ها** یا گذار از دوران **مدرن** به دوران **پسامدرن** را پدید آورده‌اند.

آنچه **هانا آرنت** درباره **توتالیترسیم**^۸ (یا **توتالیترانیسم**) نوشته است، مربوط است به دوران **مدرن**. مفهوم **توتالیترسیم** در دوران **پسامدرن** با مفهومی که **هانا آرنت** و بسیاری از فیلسوفان دیگر تعریف کرده‌اند تفاوت‌های فراوانی دارد و از پاره‌ای از جهات بسیار وحشتناک‌تر می‌نماید، چون این پتانسیل را دارد که برای **تک‌تک افراد** جامعه **پرونده الکترونیک** بسازد و با **هوش مصنوعی** آنان را به هم‌سویی با ایدئولوژی حاکم وا دارد. با این حال، پیاده‌کردن **توتالیترسیم پسامدرن** به دلیل وجود ابزارهای رسانه‌ای دموکراتیک پسامدرن بسیار دشوار و حتی ناممکن شده است (توضیحات بیشتر بعداً خواهد آمد). پیش از دوران **پسامدرن**، نظام ولایت فقیه در ایران را با کمی تسامح و چشم‌پوشی از پاره‌ای از انتخابات‌ها، مطابق تعریف پاره‌ای از فیلسوفان و یا جامعه‌شناسان می‌توان یک **نظام توتالیتر مدرن** در نظر گرفت، اما از دوران **پسامدرن** به بعد (سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد) به دلیل ابزارهای **رسانه‌ای** و **رایانشی** این دوران به تدریج تغییر ماهیت داده است؛ هرچند، **فرم توتالیترستی** آن همچنان باقی مانده است.

^۱ Hannah Arendt

^۲ The Origins of Totalitarianism

^۳ Konrad Zuse

^۴ ENIAC

^۵ big data

^۶ <http://rizpardazandeh.com/articles/riz304/riz304.pdf>

^۷ small data

^۸ totalitarianism

رسانه‌های مدرن، پاشنه آشیل حکومت‌های توتالیتَر مدرن

حکومت کنونی ایران از چندین لحاظ شبیه به حکومت اتحاد جماهیر شوروی است، اما در مقیاسی بسیار کوچک‌تر. همچون اتحاد جماهیر شوروی حکومتی ایدئولوژیک است، به انرژی هسته‌ای و فضا و موشک به گونه‌ای علاقه دارد که اثرات زیان‌بار افراط در آنها بر اقتصاد کشور را نادیده بگیرد، با آمریکا و اسرائیل دشمن است، رشد اقتصادی خوبی ندارد، تحت تحریم است،... در پی ساخت انسان نوین^۹ است و برای ساخت جامعه نوین یا جهان نوین^{۱۰} در کشورهای مختلف جهان هزینه و از پروپاگاندا استفاده می‌کند، هرچند، به جای آن که کمونیست پرورش بدهد اسلام‌ست پرورش می‌دهد و به جای تمدن کمونیستی در پی برپاسازی تمدن نوین اسلامی است.

تا زمانی که مقایسه این دو کشور مقایسه‌ای در دوران مدرن باشد هر دو حکومت را می‌توان در گروه حکومت‌های توتالیتَر مدرن جای داد، هرچند، در مقطعی به دلیل پاره‌ای از انتخابات‌ها از بعضی از ویژگی‌های توتالیتاریسم در ایران کاسته شده است. افزون بر این، یکی از اشتباهات رایج مردم و حتی پاره‌ای از فلاسفه آن است که جوامع توتالیتَر را جوامع اطلاعات-بسته^{۱۱} می‌دانند. واقعیت آن است که ابزارهای رسانه‌ای مدرن، مانند رسانه چاپ، رادیو، یا نوار کاست و نوار ویدئو یا سی‌دی و دی‌وی‌دی یا اینترنت اجازه تشکیل جوامع اطلاعات-بسته را نمی‌دهند، چون جامعه می‌تواند از آنها علیه سانسور و علیه اختناق بهره بگیرد. از همین روی، جوامع توتالیتَر مدرن به لحاظ گردش اطلاعات معمولاً جوامعی نیمه-باز یا نیمه-بسته هستند.

نیاز نظام‌های توتالیتَر مدرن به رسانه‌های مدرن برای پروپاگاندا و برای بسیج توده‌ها سبب می‌شود که مردم با وجود سیستم رسمی سانسور بتوانند از منفذهایی که همان رسانه‌ها فراهم می‌کنند بهره بگیرند و اجازه ندهند یک جامعه اطلاعات-بسته شکل بگیرد. به بیان دیگر، رسانه مدرن همواره پاشنه آشیل نظام‌های توتالیتَر بوده است. هرچند، پتانسیل ابزارهای رسانه‌ای دوران مدرن به دلیل هزینه بالایی که داشتند و به دلیل یک‌سویی در حدی نبوده است که سیستم پروپاگاندا و سیستم سانسور و اختناق نظام‌های توتالیتَر را بتوانند کاملاً خنثی کنند.

به عنوان مثال، همان‌گونه که در اتحاد جماهیر شوروی صفحات گرامافون آهنگ‌های گروه بیتل‌ها از منفذهایی که وجود داشت به دست جوانان اتحاد جماهیر شوروی می‌رسید، در ایران نیز از ابتدای انقلاب منفذهایی وجود داشت که آهنگ‌های لوس آنجلسی یا

خوانندگان غربی، به ویژه آلبوم‌های مایکل جکسون در دهه ۱۳۶۰ را به دست جوانان ایرانی برسانند.

امروزه، مقابله با نوعی از موسیقی که توتالیتاریست‌ها آنها را موسیقی بورژوازی یا اهریمنی می‌نامند نه تنها ناممکن شده است، بلکه کتابخانه‌های فوق‌العاده عظیمی از انواع موسیقی و موزیک‌ویدئو به رایگان یا به قیمت‌هایی ناچیز در دسترس همگان قرار گرفته است.

از آن گذشته، وب از اواسط دهه ۱۹۹۰ به تدریج منفذها را بسیار بزرگ‌تر و کم‌دردتر و کم‌هزینه‌تر کرد. اما ابزارهای پست‌مدرن مانند گوشی‌های هوشمند، کلان‌داده‌ها، اینترنت اشیاء^{۱۲}، اینترنت آدم‌ها^{۱۳}، WiFi Direct، ذخیره‌گرهای ابری^{۱۴}، شبکه 4G و 5G، اینترنت ماهواره‌ای استارلینک، و انواع MicroSD و حافظه‌های فلش USB هرگونه سانسور یا پدیدآوردن مانع در برابر جریان اطلاعات را به کاری بیهوده و کاملاً احمقانه تبدیل کرد.

در کشورهای دارای زیرساخت‌های پست‌مدرن، مانند ایران یا روسیه، دیگر جامعه اطلاعات-بسته و یا جامعه اطلاعات-نیمه‌بسته ممکن نیست. راه حلی مانند شبکه ملی اطلاعات یا اینترنت ملی نمی‌تواند یک راه حل برای بستن مسیرهای گردش اطلاعات باشد، زیرا با فناوری‌هایی مانند اینترنت ماهواره‌ای استارلینک، MicroSDهای پر ظرفیت، و امکانات فراوان گوشی‌های هوشمند که گردش پر حجم اطلاعات را ممکن می‌سازند خیلی زود چنان تلاش‌هایی شکست خواهد خورد.

با این اوصاف، نظام ولایت فقیه چرا راه حل فیلترسازی اینترنت را انتخاب کرده است که حتی کودکان دبستانی نیز با فیلترشکن‌های درون گوشی خود به آن نظام و به توتالیتاریسم آن نظام می‌خندند؟ بی‌گمان، نظام ولایت فقیه می‌داند که فیلترسازی اینترنت بی‌اثر است، و با وجود انواع فیلترشکن شست‌وشوی مغزی عمل بسیار دشواری است. در نتیجه، شکست را پذیرفته است و دیگر برخلاف نظام‌های توتالیتاریستی در پی تبدیل همه انسان‌ها به انسان نوین و همه جهان به جهان نوین نیست؛ حالا فقط می‌خواهد روی پیروان ولایت فقیه و روی امت نوین (بخشی از ملت که پیرو ولایت فقیه هستند) متمرکز شود. با این حال، برای این که مخالفان را به زحمت بیندازد و مخالفت‌ها را کم‌اثرتر کند دست از فیلترسازی اینترنت بر نمی‌دارد، که هم‌سو با خواست فروشنده‌گان فیلترشکن است.

¹² Internet of Things

¹³ Internet of Humans

¹⁴ cloud storage

¹⁵ Intranet

⁹ New Man

¹⁰ New World

¹¹ closed information society

دوران مدرن – در اروپا سبب شد که کاغذ با قیمتی پایین تولید شود. تولید ارزان قیمت کاغذ هزینه سوادآموزی را پایین آورد و امکان انتشار کتاب و مطبوعات ارزان قیمت با تیراژ بالا را فراهم کرد.

همچنان که گفته شد تشکیل نظام های توتالیتر و سازمان دادن به توده ها در جهت دخالت سیاسی و شست و شوی مغزی آنها به پروپاگاندا و به رسانه های مدرنی مانند رسانه چاپ و ابزارهای ارتباطی ای مانند تلگراف و تلفن و رادیو و تلویزیون نیازمند بوده است. رسانه چاپ بدون کاغذ ارزان قیمت نمی توانست در خدمت اهداف توتالیترایست ها قرار بگیرد. رسانه چاپ و ابزارهای ارتباطی مدرن این توان را دارند که ایدئولوژی را پیوسته و بدون انقطاع با هزینه ای پایین بین توده ها تبلیغ کنند و رهبران ایدئولوژی با آنها سازمان و تشکیلات توتالیترایستی خود را به راه بیندازند.



توتالیترایسم با رؤیا آغاز می شود، اما واقعیت ناشی از اختناق و مقابله با تکرر — که ناکارآمدی دولت توتالیتر را در پی دارد — سرانجام به کابوس می انجامد.

(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه کمونیسم پراگ)

نظام های توتالیتر چگونه پدید آمدند؟

توتالیترایسم برای این که پیاده شود به ایدئولوژی، به سازمان دهی توده ها در جهت دخالت سیاسی همسو با ایدئولوژی، به رهبر، به کیش شخصیت، و به کنترل و نظارت توده ها نیاز دارد.

فرقه ها و نظام های توتالیتر برای این که ایدئولوژی را به منظور همسان سازی به توده ها آموزش بدهند و برای این که به رهبر شخصیتی کاریزماتیک بدهند به رسانه های قدرتمند و پرنفوذ و کم هزینه نیاز دارند. رسانه چاپ که در سده پانزده میلادی اختراع شد و بعدها رسانه هایی مانند رادیو و تلویزیون در مجموع توانستند چنین قدرتی را فراهم کنند و نخستین نظام های توتالیتر مانند حکومت فاشیستی ایتالیا، آلمان نازی، و اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی پدید بیایند.

گذشته از آن، نظام های توتالیتر برای کنترل مردم و برای ساخت انسان نوین و جامعه نوین به سازمان های اطلاعاتی قدرتمندی نیاز دارند که برای تعداد زیادی از مخالفان نظام توتالیتر پرونده های اطلاعاتی می سازند. اختناق حاصل چنین سیاستی است. حجم بالای پرونده های اطلاعاتی به ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات¹⁶ پر ظرفیت و توان رایانشی بالا نیاز دارد که از اواسط سده بیستم میلادی با اختراع کامپیوترهای الکترونیک به تدریج چنین فناوری هایی ظاهر شدند. پیش از آن در سده نوزدهم میلادی تا اواسط سده بیستم میلادی، کاغذ و کارت های پانچ ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات مرسوم، و کامپیوترهای مکانیکی و بعدها کامپیوترهای الکترومکانیکی ابزارهای رایانش مرسوم بودند که نظام های توتالیتر می توانستند از آنها بهره بگیرند. از آن گذشته، اختراع رادیو در دهه نخست سده بیستم میلادی توسط مارکونی ایتالیایی (که به تسلا هم نسبت داده می شود) و سپس اختراع تلویزیون الکترونیکی در سال ۱۹۳۹ میلادی نقش بزرگی در برپایی نظام های توتالیتر داشته است.

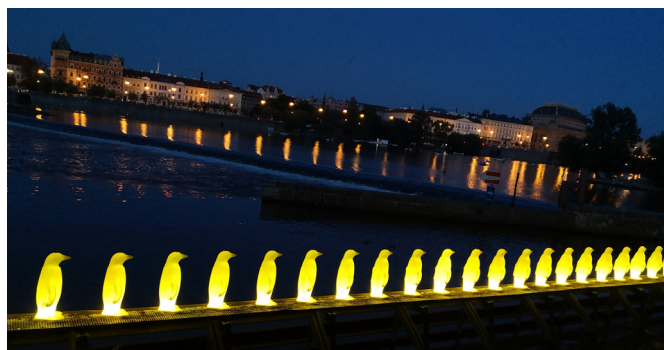
توتالیترایسم مدرن

پیش از اختراع ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات مغناطیسی یا الکترونیکی یا نوری، کاغذ بهترین و کم هزینه ترین ابزار ذخیره و بازیابی اطلاعات در دوران مدرن بوده است. تغییر در پاره ای از تکنیک های کارخانه های کاغذسازی سده هجدهم میلادی — یعنی در

¹⁶ information storage and retrieval

با این همه، ابزارهای پایش شبکه‌ای، نرم‌افزارهای **بازشناسی چهره**^{۱۷}، اینترنت چیزها^{۱۸}، اینترنت آدم‌ها^{۱۹}، هوش مصنوعی، ذخیره‌گرهای ابری^{۲۰}، و **کلان داده‌ها**^{۲۱} امکانات و قدرت حساب‌گری خداگونه‌ای را در اختیار دولت‌ها و همچنین در اختیار مردم قرار داده‌اند. این فناوری‌ها که از حدود سال ۲۰۱۰ میلادی رواج پیدا کرده‌اند آغازگر دوران جدیدی در زندگی بشر شدند: **دوران پسامدرن**.

این امکانات **رسانشی و رایانشی** که فواید فوق‌العاده فراوانی دارند و می‌توانند در پایین آوردن هزینه‌های تولید و خدمات نقش بزرگی بازی کنند و توانستند در مقابله با ویروس کرونا کمک بسیار بزرگی به انسان کنند، به دلیل پتانسیل خود برای **توتالیتاریسم پسامدرن** – که می‌تواند برای همه مردم پرونده‌های جامع اطلاعاتی بسازد – مدت‌ها وحشت‌آفرینی می‌کرده‌اند. به عنوان مثال، استفاده نظام ولایت فقیه در سال جاری از نرم‌افزارهای **بازشناسی چهره** برای مقابله با حجاب اختیاری یکی از مخوف‌ترین کاربردهای این فناوری‌ها را به نمایش گذاشت. با وجود این، طرفداران حجاب اختیاری در ایران نیز با بهره‌گیری از قدرت همین فناوری‌ها به مقابله با استفاده سوء از این فناوری‌ها روی آوردند و نشان دادند که برخلاف پیش‌بینی‌ها توازن قوا به نفع آنان در حال تغییر است.



یک تفاوت میان انسان و حیوان در تنوع انسان‌ها به لحاظ سبک زندگی است. هم‌سان‌سازی توده‌ها از ویژگی‌های مهم نظام‌های توتالیتار است. (عکس از مژه حمزه تبریزی؛ رود ولتاوا، پراگ)

به عنوان مثال، از دوران مشروطه که **مشروع خواهان** – که گروه بسیار کوچک‌تری نسبت به مشروطه خواهان بودند – به رسانه چاپ دسترسی پیدا کردند، و بعدها توانستند از طریق **تلگراف** و از طریق **تلفن** و **نوار کاست** توده‌ها را سازمان‌دهی کنند توانستند در انقلاب ۱۳۵۷ به پیروزی برسند. نمونه دیگر، **آلمان نازی** است که در آن رسانه‌های ارتباطی رادیو و تلویزیون نقش بسیار برجسته‌ای در کاریزمای **آدولف هیتلر** و شست‌وشوی مغزی مردم و اعضای حزب نازی بازی کردند.

توتالیتاریسم اساساً پدیده‌ای مدرن است و با فناوری‌های رسانه‌ای و رایانشی مدرن – که می‌توانسته‌اند در انحصار دولت‌های توتالیتار قرار بگیرند – ممکن شده است.



رهبر کاریزمای مادام‌العمر و پیروی بی‌چون‌وچرای مردم از چنین رهبری از ویژگی‌های نظام‌های توتالیتار است. ابزارهای رسانه‌ای و رایانشی ارزان‌قیمت و قدرتمند دوران پسامدرن اجازه ظهور چنین رهبرانی را دست‌کم برای بلندمدت نمی‌دهند، و خیلی زود کاریزمای رهبر با نقدهای مداوم شبکه‌های اجتماعی ناپدید می‌شود.

(عکس از مژه حمزه تبریزی؛ موزه کمونیسم پراگ)

توتالیتاریسم پسامدرن

توتالیتاریسم مدرن با تعریف اندیشمندانی چون **هانا آرنت** در دوران پسامدرن از آن روناممکن شده است که از یک سو، قدرت ابزارهای رسانه‌ای و رایانشی بسیار زیاد شده است و قیمت آنها بسیار پایین آمده است، و از سوی دیگر، رسانه‌های دوسویه و چندسویه فراوانی در دسترس مردم قرار گرفته است. از همین روی، اختناق و یک‌دست‌سازی مردم که از الزامات نظام‌های توتالیتار است سالبه به انتفاء موضوع شده است.

¹⁷ facial recognition

¹⁸ Internet of Things

¹⁹ Internet of Humans

²⁰ cloud storage

²¹ big data



هراس از توتالیتاریسم هوش مصنوعی — که به توتالیتاریسم دیجیتال یا توتالیتاریسم پسامدرن نیز مشهور است — با اکران فیلم خارق‌العاده «اودیسه فضایی: ۲۰۰۱» اثر به‌یادماندنی استنلی کوبریک از سال ۱۹۶۸ میلادی جهان را در بر گرفت، هرچند، هوش مصنوعی از زمانی که در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد تا دهه ۲۰۱۰ میلادی پیشرفت چندانی نداشت، دورانی که به «زمستان هوش مصنوعی» مشهور شده است. از این دهه به بعد شاهد ظهور انفجاری کاربردهای هوش مصنوعی در جامعه بوده‌ایم و موضوع وحشت از توتالیتاریسم هوش مصنوعی دوباره بیشتر مطرح شد و در آثار هنرمندان مختلف جای گرفت. این اثر دیوید چرنی، مشهور به «کودکان بارکدی»، در پارک کامپا در پراگ یکی از آنهاست. او بر چهره این کودکان یک بارکد حک کرده است. با این همه، ابزارهای هوش مصنوعی برای مردم نیز چنان قدرتی فراهم کرده‌اند که بتوانند به عنوان پاشنه آشیلی برای توتالیتاریسم هوش مصنوعی عمل کنند. (عکس از موزه حمزه تبریزی)



اثر بالا، مشهور به «کودکان بارکدی» را که نمونه‌های مختلف آن از سال ۱۹۹۴ در نقاط مختلف دنیا ساخته و نصب شده است مجسمه‌ساز مشهور چک، دیوید چرنی (David Černý)، ساخته است، که وحشت هنرمندان را از فناوری هوش مصنوعی، پیش از رواج کاربردهای آن در پانزده سال گذشته نشان می‌دهد. نمونه بالا در پارک کامپا در شهر پراگ نصب شده است و تاریخ ساخت آن سال ۲۰۰۸ میلادی است، یعنی اوایل رواج کاربردهای هوش مصنوعی در دنیا.

برخلاف تصور وحشتناکی که پیشتر درباره توتالیتاریسم هوش مصنوعی وجود داشت، ابزارهای رسانه‌ای و رایانشی ارزان‌قیمت و قدرتمند دوران پسامدرن در عمل پاشنه آشیلی برای این نوع توتالیتاریسم شده‌اند و از گوناگونی و تکثر بیش از دوران مدرن پشتیبانی می‌کنند. به عنوان مثال، طرفداران حجاب اختیاری در ایران در یک سال گذشته نشان داده‌اند که با وجود بهره‌گیری تحمیل‌کنندگان حجاب اجباری از نرم‌افزارهای بازشناسی چهره توانمندشده با هوش مصنوعی می‌توانند با ابزارهای پسامدرن در برابر اندیشه‌های همسان‌سازانه توتالیتاریستی‌ای که دینی هم نیستند (مثلاً نادیده‌گرفتن صراحت کتاب قرآن کریم در مورد حجاب اختیاری برای بانوان کهن‌سال) و در برابر سیاست‌های هم‌سان‌سازی بایستند.

(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ پارک کامپا، پراگ)

توتالیتاریسم پشامدرن

نظر به این که دست‌نویسی یا رسانه نوشتار در دوران پشامدرن پرهزینه بود و اکثر مردم سواد نداشتند، امکاناتی که به توتالیتاریسمی شبیه به توتالیتاریسم مدرن بینجامد وجود نداشت. با این همه، آنچه در تورات یا قرآن درباره فرعون در دوران حضرت موسی آمده است، نمونه‌ای از توتالیتاریسم پشامدرن می‌تواند بوده باشد، که پاره‌ای از خصوصیات توتالیتاریسم مدرن را داشته است. هرچند، خداپنداری فرعون نه با بهره‌گیری از یک ایدئولوژی که بتواند با مغالطات ظریف این باور را در ذهن توده‌ها منطقی بنمایاند، که با اعمال زور پدید می‌آمده است؛ حال آن که چنین باورهایی در دوران مدرن با رسانه‌های گروهی و با پروپاگاندا می‌توانسته است در اذهان توده‌ها کاملاً منطقی جلوه کند.

ابزارهای پسامدرن سانسور و اختناق را ناممکن کرده‌اند

در دوران پسامدرن با آن که فناوری‌هایی مانند فناوری بازشناسی چهره^{۲۲} وحشت آفریده‌اند و احتمال ظهور توتالیتاریسم دیجیتال یا توتالیتاریسم پسامدرن را مطرح کرده‌اند اساساً توتالیتاریسم به سبک دوران مدرن ناممکن شده است. همچون دوران مدرن، ابزارهای پسامدرن پاشنه آشیل توتالیتاریسم پسامدرن شده‌اند و سانسور و اختناق را ناممکن کرده‌اند. به عنوان مثال، کلان داده‌ها هر ایدئولوژی‌ای را با تردید روبه‌رو می‌کند. نقادی ایدئولوژی‌ها در دوران پسامدرن پیوسته از طریق انواع رسانه‌ها انجام می‌گیرد و رسانه یا متن این گونه نقدها در دسترس همگان قرار می‌گیرد. یا با آن که نظام‌های توتالیتار معجزه‌های دروغین گوناگونی را با پروپاگاندا به رهبر خود نسبت می‌دهند، رسانه‌های پسامدرن بسیار زود این معجزه‌های دروغین را بی‌اعتبار می‌کنند. از همین روی، رژیم‌های توتالیتار نه تنها در آموزش ایدئولوژی، بلکه در تعریف انحصاری خیر و شر ایدئولوژیک خود به گونه‌ای که به طور گسترده مورد پذیرش توده‌ها قرار بگیرد نیز به درماندگی افتاده‌اند.

از آن گذشته، برای این که جلوی آنچه مانند حجاب اختیاری را بگیرند که توتالیتاریست‌ها آنها را شر تعریف می‌کنند، به محاسبان یا نیروهایی نیاز دارند که متخلفان را بی‌هیچ دغدغه‌ای و بی‌هیچ داوری و پرسشی به سختی مجازات کنند. در دوران مدرن، توتالیتاریست‌ها از رسانه‌های پرهزینه‌ای مانند رادیو و تلویزیون برای تربیت و شست‌وشوی مغزی چنین نیروهایی بهره می‌گرفتند، تا درباره شری مانند سوزاندن یهودیان نتوانند داوری انسانی و اخلاقی کنند. هانا آرنف، چنین وضعیتی را **ابتدال شر یا عادی‌سازی شر^{۲۳}** نامیده است.

رسانه‌های کم‌هزینه دوران پسامدرن، شست‌وشوی مغزی و به ویژه عادی‌سازی شر را بسیار دشوار و پرهزینه کرده‌اند. به عنوان مثال، نظام ولایت فقیه بیش از ۴۰ سال تلاش کرد که حجاب را خیر مطلق و بی‌حجابی را شر مطلق جلوه بدهد. با آن که این نظام با بودجه‌هایی سنگین ده‌ها هزار روحانی را به منظور تبیین خیر و شر مورد نظر خود و همچنین ساخت جامعه نوین (New Society) و انسان نوین (New Man) آموزش داده است، نتوانسته است با استفاده از انواع رسانه‌های خود در اقتناع بسیاری از بانوان برای پذیرش حجاب اجباری

^{۲۲} face recognition

^{۲۳} banality of evil

و حجاب شرعی به توفیق برسد. از همین روی، هنگامی که توان اقتناع بسیاری از بانوان را با بهره‌گیری از انواع رسانه‌های پسامدرن ندارد تلاش می‌کند که با نیروهای محتسب به این هدف خود دست پیدا کند.



مجسمه‌های یادبود قربانیان توتالیتاریسم در دامنه تپه Petrin در پراگ (Alley of the Victims of Totality)

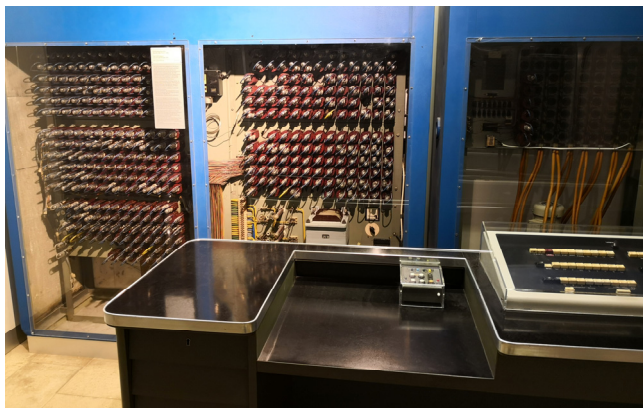
مجسمه‌های ایستاده‌ای که بخش‌هایی از بدن آنها حالت بریده دارد یادآور رنج‌ها، شکنجه‌ها، شجاعت‌ها، و مقاومت‌های زندانیان سیاسی دوران کمونیستی هستند. اولبرام زوبک (Olbram Zoubek) _ که یک زندانی سیاسی سابق است _ و دو معمار دیگر طراح این اثر هستند.

در پایین پله‌های این بنای یادبود دو لوح برنزی بر روی یکی از پله‌ها نصب شده است که آمار قربانیان را از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۸۹ آورده است: ۲۰۵۴۸۶ زندانی سیاسی، ۲۴۸ اعدامی، ۴۵۰۰ مرگ در زندان، ۳۲۷ کشته هنگام فرار از مرزها، ۱۷۰۹۳۸ آواره. (عکس از موزه حمزه تبریزی)

ابزارهای پست‌مدرن، مانند گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، ابتدال شر را برای نظام‌های توتالیتار به یک رسوایی جهانی تبدیل می‌کنند. به عنوان مثال، این ابزارهای پست‌مدرن بودند که محاسبان را ناچار کردند که گشت ارشاد را جمع‌آوری کنند.

حال در این دوران نوین از زندگی انسان، حکومتی که بخواهد انسان نوین بسازد چه راه حلی برای گریز از رسوایی حاصل از چنین ابتدال شری می‌تواند داشته باشد؟ به ویژه آن که روز به روز انسجام و اتحاد مردم جهان علیه توتالیتاریسم دیجیتال قدرتمندتر می‌شود.

جامعه اطلاعات-بسته آرزوی نظام‌های توتالیتار است تا راحت‌تر بتوانند انسان نوین خود را بسازند، اما همچنان که گفته شد بستن مسیر گردش اطلاعات به حذف ابزارهای ذخیره و بازیابی و انتقال اطلاعات نیاز دارد که نظام‌های توتالیتار بدون آنها نمی‌توانند پدید بیایند و تداوم پیدا کنند.



شهر هوشمند و توتالیتاریسم دیجیتال

این سلسله از مقالات در مجله یا کانال ریزپردازنده با آن که می‌تواند مورد مطالعه همگان قرار بگیرد در اصل برای طراحان شهر هوشمند نوشته می‌شود. در مقاله‌های پیشین درباره نقش پرونده‌های الکترونیک در مخدوش کردن اهداف شهر هوشمند اشاره کرده‌ایم. اختراع نخستین کامپیوترهای قابل برنامه‌سازی رله‌ای که می‌توانند در ساخت پرونده‌های اطلاعاتی مردم به کار گرفته شوند در دوران آلمان نازی به وقوع پیوسته است.

کامپیوترهای قدرتمند همواره یکی از نیازهای نظام‌های توتالیتار بوده است، چه برای ساخت ابزارهای نظامی قدرتمند، چه برای رمزنگاری و رمزگشایی پیام‌ها، یا برای ساخت و بررسی پرونده‌های اطلاعاتی مخالفان. از همین روی، در حکومت نازی آلمان سرمایه‌گذاری روی چنین فناوری‌هایی بی‌علت نبوده است. «کونراد تسوزه» (Konrad Zuse) مخترع نخستین کامپیوتر الکترومکانیکی جهان، یعنی کامپیوتر رله‌ای Z3 است که در ۵ دسامبر ۱۹۴۱ عملیاتی و در نیروی هوایی آلمان نازی به کار گرفته می‌شود. او بعد از ساخت کامپیوتر Z3 به سمت ساخت کامپیوتر با لامپ‌های خلاء رفت. تصویر بالا مربوط به کامپیوتر Z22 است که از لامپ‌های خلاء بهره می‌گیرد. (عکس از موزه حمزه تبریزی، موزه علم مونیخ).



انقلاب مخملی در چکسلواکی از ۱۷ نوامبر تا ۲۸ نوامبر سال ۱۹۸۹ روی داد و به توتالیتاریسم حزب کمونیست پایان بخشید. موزه کمونیسم در شهر پراگ در کنار مجسمه کارل مارکس یک زباله‌دانی نیز گذاشته است. رژیم‌های کمونیستی به کدام نیازهای مردم بی‌توجهی کردند که امروز به موزه‌ها پیوسته‌اند؟ (عکس از موزه حمزه تبریزی).

زیست جهان عدم قطعیت در دوران پسامدرن

اینترنت یا ابزارهای رسانه‌ای دوران پسامدرن سایه شک دکارتی را بر روی انواع و اقسام باورهای دگماتیک سنتی افکنده است.

در دوران پسامدرن نه تنها اقناع توده‌ها، که اقناع کارگزاران نظام توتالیتار در مباحث ایدئولوژیک بسیار دشوارتر از دوران مدرن شده است و شمار کارگزاران باورمند به ایدئولوژی روز به روز کمتر می‌شود. **تودیدها** در مباحث ایدئولوژیک - که از رسانه‌های گوناگون پسامدرن سرچشمه می‌گیرند - سبب می‌شوند که بخش بزرگی از کارگزاران اخلاق‌گرای نظام توتالیتار از چنین نظامی جدا شوند و مثلاً به عنوان اصلاح‌طلب یا حتی برانداز فعالیت کنند، و بخشی از اقناع‌نشده‌ها که درون نظام باقی می‌مانند تلاش کنند اصلاحاتی را

برترین ایدئولوژی، رهبر کاریزماتیک، یا توده، سازه‌های بنیادین ساختارهای توتالیتار هستند. بدون **رسانه‌های یک‌سویه** قدرتمند چنین سازه‌هایی نمی‌توانند پدید بیایند. توتالیتاریست‌ها در دوران مدرن از امتیاز رسانه‌های گران‌قیمت دوران مدرن، مانند رادیو و تلویزیون به طور **یک‌سویه** بهره می‌گرفتند و سازه‌های توتالیتاریستی خود را پدید می‌آوردند. اما ابزارهای رسانه‌ای و محاسباتی فوق‌العاده کم‌هزینه **پست‌مدرن**، مانند اینترنت، هوش مصنوعی، شبکه‌های اجتماعی، و گوشی‌های هوشمند، مردم سراسر جهان را نیز صاحب رسانه‌ها و کامپیوترهای قدرتمند کرده است و به آنان امکان داده است که **تودید دکارتی** (Cartesian Doubt) را برای هر مفهومی، چه ایدئولوژی باشد، چه رهبر کاریزما، و چه خیر و شری که ایدئولوژی‌ها تعریف می‌کنند به کار ببندند و در نتیجه شکل‌گیری سازه‌های توتالیتاریستی را بسیار دشوار و حتی ناممکن کنند.



اختراع رادیو در دهه نخست سده بیستم میلادی توسط مارکونی ایتالیایی (که به تسلا هم نسبت داده می‌شود) و سپس اختراع تلویزیون الکترونیکی در سال ۱۹۳۹ میلادی نقش بزرگی در برپایی نظام‌های توتالیتار داشته است. عکس بالا یک رادیوی برقی ساخت شرکت تلفن‌کن کشور آلمان مربوط به سال ۱۹۳۵ میلادی را نشان می‌دهد. آدولف هیتلر با چنین رسانه‌هایی توانست شخصیتی کاریزماتیک در آلمان پیدا کند. (عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه ارتباطات تهران.)

آیا نظام ولایت فقیه داوطلبانه مقابله با رسانه‌های حاوی موسیقی پاپ، مانند نوار کاست، سی‌دی، یا دی‌وی‌دی را کنار گذاشت؟ یا چون اینترنت بهره‌گیری از آنها را بدون داشتن یک رسانه فیزیکی ممکن کرد به ناچار دست از چنین مقابله‌ای برداشت؟

آیا نظام ولایت فقیه داوطلبانه و با منطق لیبرال‌دموکراسی سطح آزادی رسانه‌های رسمی را نسبت به گذشته مثلاً برای مقابله با فساد بیشتر کرد؟ بی‌گمان، پاسخ منفی است. هنگامی که اینترنت هست، فیلترشکن هست، یا رسانه اجتماعی هست، سانسور بی‌معنی است. فرض کنیم امروز همه رسانه‌های رسمی تعطیل شوند، آیا خللی در گردش اطلاعات به وجود خواهد آمد؟

رکن چهارم شبکه‌ای (networked Fourth Estate)

اصطلاح **رکن چهارم شبکه‌ای** را **یوچای بنکلیر** (Yochai Benkler)، در کتاب خود با عنوان «ثروت شبکه‌ها» مطرح کرد. امروزه **رکن چهارم شبکه‌ای** به مددگوشی‌های هوشمند تقریباً همه مردم را به عنوان شهروند خبرنگار یا منتقد متخصص و صاحب‌نظر و مانند آن در بر گرفته است، و بسیار گسترده‌تر از مطبوعات عمل می‌کند و روز به روز پرتأثیرتر می‌شود.

به بیان دیگر، شبکه‌های اجتماعی آزاد در افقی کردن و دسانترالیزه کردن حکومت‌ها نه تنها در سطح محلی، ملی، یا منطقه‌ای نقش بازی می‌کنند، بلکه می‌توانند در سطح جهانی نیز تأثیرگذار باشند.

منبع:

Benkler, Yochai. *The Wealth of Networks*. 2006: Yale University Press.

برای مقایسه، حجم اطلاعات و ویدئوهای جنگ اخیر حماس و اسرائیل را با جنگ عراق و ایران مقایسه کنید، و البته در نظر داشته باشید که در کل تاریخ جنگ‌ها معمولاً برای اطلاعات مربوط به جنگ محدودیت‌های گسترده‌ای اعمال می‌شده است. به بیان دیگر، سانسور حتی برای خبرهای جنگ‌ها بسیار دشوار شده است.

درون نظام پدید بیاورند. اما بدترین نقش این **تردیدها** – که نظام توتالیتار را از درون دچار تغییر می‌کند – فروپاشی ایدئولوژیک و در نتیجه فروپاشی اخلاقی در پاره‌ای از کارگزاران نظام توتالیتار است که آنها را به استفاده از انواع رانت‌ها و سوسه می‌کند و گروه‌های **مافیایی** را در درون نظام توتالیتار شکل می‌دهد.



ساختمان Palazzo della Civiltà Italiana در شهر رم به دستور بنیتو موسولینی، دیکتاتور ایتالیایی، ساخته شده است. از معماری آن به عنوان یک **معماری فاشیستی** یاد شده است. عظمت این بنا که از کلوئوم رم باستان الهام گرفته است می‌خواهد یادآور دوران نوین رژیم فاشیستی در تاریخ ایتالیا باشد. (عکس از موزه حمزه تبریزی.)

به عنوان مثال، فقها در این مدت ۴۴ ساله نتوانسته‌اند یک نظام اقتصادی ایدئولوژیک کارآمد را معرفی کنند و پاره‌ای از کارگزاران نظام در کارآمدی فقه در اقتصاد به تردید افتاده‌اند. چنین تردیدهایی در ایدئولوژی – که نظام اخلاقی باورمندان را نیز سامان می‌دهد – می‌تواند به فروپاشی اخلاقی نیز بینجامد و رانت‌جویی و فساد را عادی‌سازی کند.

تغییر ماهیت توتالیتاریسم در دوران پسامدرن

آیا نظام ولایت فقیه داوطلبانه گشت محتسب ارشاد را جمع‌آوری کرد؟ بی‌گمان، پاسخ منفی است. اعتراضات تجهیز شده با ابزارهای رسانه‌ای پست‌مدرن بود که مهم‌ترین نقش را داشتند.

آیا نظام ولایت فقیه داوطلبانه و با منطق لیبرال‌دموکراسی در برابر استفاده مردم از گیرنده‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای کوتاه آمد؟ بی‌گمان، پاسخ منفی است. تعداد استفاده‌کنندگان، حتی در میان حامیان این نظام آن‌قدر زیاد بود که برای مقابله با ماهواره به لشکرکشی و هزینه‌های فوق‌العاده بالا در شهرها و روستاها نیاز باشد.

حرکت به سوی توتالیترسیم پسامدرن و دولت مافیایی

دولت‌های توتالیتر مدرن برای این که انسان نوین خود را بسازند به دلیل پرهزینه بودن گردآوری اطلاعات درباره تک‌تک افراد جامعه تلاش می‌کرده‌اند که اطلاعات فراوانی را از هر کس که مخالف توتالیترها یا مضمون به مخالفت با توتالیترها بوده است گردآوری کنند. اما ابزارهای دوران پسامدرن به دولت‌ها امکان می‌دهد که اطلاعات فراوانی را از **تک‌تک افراد جامعه** گردآوری کنند و اگر اهداف توتالیتریستی داشته باشند به کمک هوش مصنوعی در آن مسیر به کار بگیرند. همچنان که گفته شد در چنین دولت‌هایی مافیاهای گوناگون نیز می‌توانند شکل بگیرند. ابزارهای پسامدرن پاشنه آشیل چنین نظام‌هایی خواهد بود. از یک سو، دولت‌های توتالیتر دیجیتال برای برنامه‌های هم‌سان‌سازی افراد جامعه فقط با مقاومتی که در مدل ملت-دولت پدید می‌آید مواجه نخواهند بود، با مقاومت مردم جهان علیه توتالیترسیم دیجیتال در هر جای جهان روبه‌رو خواهند بود. از سوی دیگر، فساد و حریم خصوصی کارگزاران چنین دولت‌هایی که با بهره‌گیری از ابزارهای پسامدرن به حریم خصوصی مردم احترام نمی‌گذارند بیشتر آشکار خواهد شد. به عنوان نمونه، پی‌دی‌اف مقاله «انقلاب ویدئوی منتسب به مدیرکل استان گیلان، انقلابی علیه توتالیترسیم به کمک هوش مصنوعی» را بخوانید:

<http://rizpardazandeh.com/articles/riz301/riz301.pdf>



بنیتو موسیلمینی، دیکتاتور ایتالیایی، که یکی از نخستین نظام‌های توتالیتر جهان را برپا کرد در خانه‌ای در یک باغ بزرگ در رم به نام باغ تورلویا زندگی می‌کرد. او برای این خانه زیرزمینی بتون آرمه به منظور استفاده به عنوان پناهگاه ساخت تا در بمباران‌ها از آن بهره بگیرد. در عکس، طبقه بالاتر این زیرزمین را مشاهده می‌کنید. امروزه، این خانه به یک موزه تبدیل شده است. (عکس از موزه حمزه تبریزی.)

اگر آزادی مطبوعات در ابراز عقیده بیش از گذشته شده باشد از سر ناچاری بوده است، و نه به دلیل توجه توتالیتریست‌ها به پتانسیل مطبوعات به عنوان **رکن چهارم دموکراسی** در کاستن از فساد؛ ضمن این که فساد در نظام‌های توتالیتر سبب می‌شود که احتمال پرداخت هزینه‌های سنگین برای بیان نظرات همواره وجود داشته باشد. در دوران پسامدرن نظرات رسانه‌ها برای نظام توتالیتر اهمیت چندانی ندارد، آنچه اهمیت دارد ایدئولوژی، مثلاً ایدئولوژی فرقه ولایت فقیه است. به عنوان مثال، **ماهنامه ریزپدازنده** یک هفته پیش از بازداشت زنده‌یاد **مهسا امینی** در شماره ۲۹۴ در یک مقاله مفصل وقوع یک **انقلاب در حوزه حجاب** را پیش‌بینی کرده بود، با آن که آن مجله خوانده شد بی‌کفایتی مسئولان سبب شد که به آن توجه نشود. در این یک سال هم که بسیاری از رسانه‌ها با دلائل قانع‌کننده ادامه فشار علیه طرفداران حجاب اختیاری را به زیان منافع ملی و حتی به زیان منافع دینی مطرح کردند بازهم قانون حجاب برای اخذ جریمه‌های سنگین مطرح می‌شود، که پیامدش می‌تواند شکل‌گیری یک **خدمات جدید اقتصادی** در کشور برای رفع توقیف خودرو و جریمه‌های نقدی باشد.

با این همه، نظام‌های توتالیتر باقیمانده از دوران مدرن برای بقا ناچارند فرم توتالیتریستی خود را حفظ کنند. از همین روی، برای این که مردم حضور آزاردهنده نظام توتالیتر را حس کنند اینترنت را فیلتر می‌کنند، که صرفاً به نفع فروشندگان فیلترشکن است. فروشندگانی که نه تنها از فیلتر بودن اینترنت نفع می‌برند، بلکه حتی از آزادی تولید محتوا در بخش فیلترشده که سبب می‌شود حجم داده‌های مصرفی مشترکان‌شان بیشتر شود نیز منتفع شوند. بی‌گمان، فروشندگان داخلی فیلترشکن قهرمانان آزادی نیستند.

ابتدال شر در دوران پسامدرن

هنگامی که زنده‌یاد مهسا امینی به دلیل کم‌حجایی بازداشت می‌شود عرفاً — دست‌کم از چشم اکثر مردم جهان — حجایی کاملاً قابل قبول داشته است. پس از آن که به بیمارستان انتقال می‌یابد رسانه‌های پسامدرن فشار افکار عمومی در سطح جهان را به حدی می‌رسانند که محتسبان را ناچار می‌کند که ویدئوی مربوط به لحظه افتادن او را منتشر کنند، ویدئویی که همه جهان را بارها و بارها به تماشای آن دعوت می‌کند و خشم جهانی را علیه حجاب اجباری برمی‌انگیزد. در این ویدئو کاملاً آشکار است که زنده‌یاد مهسا امینی به محتسب اعتراض می‌کند که حجاب من چه اشکالی دارد، و محتسب شال بلند او را که خود حجایی اضافی بوده است به سویی دیگر پرتاب می‌کند. چنین وضعیتی را در ویدئوی دیگری دیده بودیم که مادری در برابر وُن محتسبان می‌ایستد و بیماری فرزندش را فریاد می‌زند. چنین وضعیتی را در ویدئویی دیده بودیم که محتسب به پای دختری می‌زند که روسری‌اش را پرچم کرده بود و این دختر از بلندی به زمین پرتاب می‌شود. چنین وضعیتی را در ویدئویی دیده بودیم که رسانه‌های پسامدرن جهانی اجازه نمی‌دهند که ابتدال شر پنهان بماند.

حکومت توتالیتار-مافیا

مافیا امروزه به گروه‌هایی گفته می‌شود که با نفوذ در بوروکراسی‌های مدرن ثروت‌هایی هنگفت کسب می‌کنند. تاریخچه چنین گروه‌هایی به سال ۱۹۲۰ می‌رسد که آمریکا قانون منع فروش مشروبات الکلی را تصویب کرد. بلافاصله گروه‌های مافیایی دست‌به‌کار شدند و با قاچاق مشروبات الکلی از کشورهای همسایه آمریکا به ثروت‌هایی هنگفت دست پیدا کردند. امروزه به حکومت‌هایی که **قوانین مافیایی** تصویب می‌کنند **دولت مافیا** یا **mafia state** گفته می‌شود. آیا موارد زیر به قانون منع فروش مشروبات الکلی شباهت ندارند؟

- با آن که امروزه اکثریت قاطع مردم ایران از فیلترشکن بهره می‌گیرند، چرا رفع فیلتر اینترنت انجام نمی‌گیرد؟ چه کسانی از فروش فیلترشکن سود می‌کنند؟

- لغونکردن قانون ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای مسخره کردن قانون است و به از بین بردن قانون‌گرایی در جامعه و فروپاشی جامعه می‌انجامد که خطرناک است. کسی به این استدلال‌ها گوش نمی‌کند، چرا؟ چه کسانی از واردات و فروش تجهیزات قاچاق ماهواره سود می‌برند؟ گذشته از آن، بازار بسیار بزرگی در کشور به صنعت پخش تلویزیون ماهواره‌ای وابسته است که نمی‌تواند در تلویزیون رسمی تبلیغات داشته باشد.

- ارز به جز دورانی کوتاه چندنرخ‌ی بوده است، اصرار به این سیاست از چه روست؟

- قیمت‌گذاری دستوری؟

- می‌دانیم که علم اقتصاد برای تورم راه حل‌های مختلفی ارائه کرده است، چرا به راه حل‌های علم اقتصاد توجه نمی‌شود؟

- بخش بزرگی از ثروت ایرانیان در نهادهایی مانند بنیاد و ستاد امام و اوقاف قرار دارد که حساب پس ندادن خود را قانونی می‌دانند؟

- قاچاق دارو؟

- چرا برای حجاب بانوان برخلاف شرع و عرف جرمه‌هایی بسیار سنگین وضع می‌شود که می‌تواند صدها هزار پرونده قضایی پدید بیاورد، که پتانسیل برپایی یک بازار مافیایی خدماتی جدید برای آنها وجود دارد؟ آیا جرثقیل‌ها باید به جای آبادانی کشور برای توقیف خودروهای حامیان حجاب اختیاری ردیف شوند؟

- سیاست‌های خارجی بیهوده‌ای که به تحریم اقتصادی کشور می‌انجامد و به نفع دورزندگان تحریم هستند؟

فهرست سیاست‌هایی که سبب رانت و مافیاپرووری و قوانین مافیایی می‌شود، مانند قیمت بنزین، اخبار بورس، قیمت سکه، قیمت خودرو، و حقوق گمرکی فوق‌العاده بالا برای واردات خودرو کم نیست، برای این که یک حکومت در مظان اتهام مافیایی بودن قرار بگیرد همین چند نمونه که ذکر شد می‌تواند کافی باشد.

حکومت‌های مافیا-توتالیتار حکومت‌های مافیایی برآمده از دل توتالیتاریسم هستند. چنین حکومت‌هایی گرایش‌های شدید توتالیتاریستی خود را که هم‌سو با خواست مافیاست حفظ می‌کنند، مگر آن که این گرایش‌ها با منافع مافیا در تعارض باشد. به عنوان مثال، حکومت‌های توتالیتار دشمن اینترنت یا تلویزیون ماهواره‌ای آزاد هستند، چون می‌توانند صداهای دیگر را به گوش‌ها برسانند، اما هنگامی که منافع پاره‌ای در خرید و فروش فیلترشکن یا گیرنده ماهواره و کسب سهم از بازار بزرگ تلویزیون‌های ماهواره‌ای باشد توتالیتاریسم به نفع گروه‌های مافیاگونه تطفیف می‌شود و مثلاً مبارزه‌ای با فیلترشکن‌ها که محتوای فیلترشده را نشان می‌دهد صورت نمی‌پذیرد. در نتیجه، به گونه‌ای مضحک سیاست و فرم توتالیتاریستی فیلترسازی اینترنت و قانون ممنوعیت ماهواره همچنان پابرجا می‌ماند و همزمان اکثریت قاطع مردم نیز آزادانه، اما دردمندانه، از فیلترشکن‌ها و گیرنده‌ها بهره می‌گیرند. توتالیتاریست‌ها می‌دانند که تقریباً همه از فیلترشکن و گیرنده تلویزیون‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند، اما حاضر نمی‌شوند قوانین مافیایی آنها را لغو کنند.

در مجموع، حکومت‌های توتالیتار در دوران پسامدرن توانایی اقناع ایدئولوژی در کارگزاران خود را از دست می‌دهند که به فروپاشی اخلاق و رانت‌جویی در پاره‌ای از آنها می‌انجامد، که سبب می‌شود حکومت توتالیتار روزبه‌روز مافیایی‌تر از پیش شود. □

دیوار «جان لنون» در پراگ



این عکس‌ها از دیوار جان لنون مربوط به روز سوم تیر ۱۳۹۸ است. (عکس‌ها از مؤده حمزه تبریزی؛ پراگ.)

دیواری هست در شهر پراگ در جمهوری چک که از دهه ۱۹۸۰ دوست‌داران گروه موسیقی مشهور بیتل‌ها بر روی آن نقاشی‌هایی از جان لنون (یکی از اعضای گروه بیتل‌ها) و طرح‌های مرتبط دیگر کشیده‌اند و یا متن آهنگ‌های مختلف گروه بیتل‌ها را بر روی آن نوشته‌اند. ناراضیان ضد کمونیست چکسلواکی آن هنگام از دهه ۱۹۶۰ میلادی شعارهای ضد رژیم را بر روی این دیوار می‌نوشتند. در سال ۱۹۸۰ میلادی که جان لنون ترور شد دوست‌داران این خواننده پرآوازه نخستین طرح‌های مربوط به او را _ که از سوی رژیم کمونیستی نشانه هنر بورژوازی (لاکچری) و غربی شناخته می‌شد _ بر روی این دیوار کشیدند. پس از دوره کوتاه بهار پراگ، که دولت کمونیستی جدید اصلاحات و رفرم‌های اجرا شده در این دوره را لغو کرد، جوانان خشمگین چک شعارهای آزادی‌خواهانه‌شان را بر روی این دیوار نوشتند. این اعتراضات به درگیری بین پلیس امنیت و دانشجویان انجامید. این جنبش آزادی‌خواهانه به «لنونیسیم» مشهور شد (آن را با «لنینیسم» اشتباه نگیرید). رژیم این دانشجویان را الکلی، روان‌پریش، و عامل کاپیتالیسم بازار آزاد غرب نامید. این دیوار امروز نماینده آرمان‌های جهانی مانند عشق و صلح است.

گروه بیتل‌ها در اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی نیز طرفداران زیرزمینی فراوانی داشت. بازداشت افراد به دلیل داشتن صفحه‌های گرامافون محتوی آهنگ‌های گروه بیتل‌ها یک عامل مهم نارضایتی جوانان بود. مسکن، غذا، و کار این جوانان تأمین بود، نارضایتی آنها از عدم تأمین یک نیاز دیگر انسان بود: هنر و زندگی بورژوازی (لاکچری). □

منابع:

https://en.wikipedia.org/wiki/Lennon_wall
 “The Beatles In The USSR”, Huffington Post, 04/29/2013



مایکل جکسون،

نخستین نماد اعتراضی جوانان

پس از انقلاب ایران

یکی از ویژگی‌های حکومت‌های توتالیتر مدرن، مقابله با موسیقی پاپ و جوان‌پسند – که آن را هنر بورژوازی یا هنر اهریمنی می‌نامند – و ترویج سبکی از موسیقی رسمی یا انقلابی است. از همین روی، موسیقی همواره در نظام‌های توتالیتر یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابزار اعتراض جوانان علیه سیستم توتالیتر بوده است. واضح است که جوانان برای استفاده از موسیقی محبوب خود از رسانه‌های مدرن بهره بگیرند. به عنوان مثال، نوار کاست که یکی از مهم‌ترین رسانه‌های انقلاب ۱۳۵۷ بوده است یک رسانه موسیقی جوان‌پسند بوده است. آلبوم‌ها و آهنگ‌های گروه بیتل‌ها در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای بلوک شرق به نخستین شورش جوانان علیه توتالیترسم در این کشورها تبدیل شد؛ و اشتیاق به شنیدن آهنگ‌ها و آلبوم‌های لوس آنجلسی و آلبوم‌های مایکل جکسون نخستین مخالفت قابل ملاحظه جوانان و نوجوانان ایرانی علیه توتالیترسم بود.

آغاز دهه ۱۳۶۰ آغاز موفقیت توتالیترسم در ایران بوده است. توتالیترسم‌ها در تعداد بسیار زیادی از نقاط شهری و حتی جاده‌های نیروهای ایست و بازرسی برای جست‌وجوی وجود نوارهای کاست و نوارهای ویدئوی اهریمنی در خودروها استقرار می‌کردند و اگر چنین نوارهایی می‌یافتند و صاحبان آنها را بازداشت نمی‌کردند آن نوارها را یا مصادره می‌کردند و یا می‌شکستند. تاریک‌ترین دوره برای جوانان و نوجوانان علاقه‌مند به موسیقی پدید آمده بود، به ویژه برای علاقه‌مندان مایکل جکسون، که آلبوم تریلر (Thriller) او که در آذرماه سال ۱۳۶۲ منتشر شد، که رقص پرتحرک آن امید به «زندگی کردن» و «جوانی کردن» را در دل تاریکی و فضای گورستانی نشان می‌داد. گویی آلبوم تریلر اختصاصاً برای این دوران ضد موسیقی و ضد زندگی ایران ساخته شده بود. جوانان و نوجوانان ایرانی با دیدن ویدئو و حتی ترجمه متن ترانه‌های این آلبوم حس می‌کردند که در یک جو وحشتناک هم می‌توانند بوقصد و زندگی کنند.

داستان موزیک ویدئوی تریلر، داستان دختری است که در خواب خود را در محیطی دهشت‌انگیز می‌یابد که مردگان زنده می‌شوند و به طرف او هجوم می‌آورند، حتی مایکل، دوستش، نیز به هیئت مردگان در می‌آید.... رقصی پرتحرک برای چنین جو و محیطی است که می‌توانست شور زندگی را در روح جوانان بدمد.

آلبوم تریلر را که پرفروش‌ترین آلبوم موسیقی تاریخ جهان است و در ایران بسیاری از جوانان را شیفته خود کرده بود و به ویژه توجه جوانان را به هنر رقصیدن جلب کرده بود می‌توان یکی از ریشه‌های انقلاب «زن، زندگی، آزادی» دانست که چهل سال پس از انتشار این آلبوم در ایران رخ داد.

آلبوم‌های مایکل جکسون همان کاری را که آلبوم‌های گروه بیتل‌ها برای اتحاد جماهیر شوروی کردند برای ایران انجام دادند.

امروزه، به مدد ابزارهای رسانه‌ای پست‌مدرن و به ویژه ذخیره‌گرهای ابری (cloud storage)، نیاز به ذخیره‌گر فیزیکی برای موسیقی حذف شده است و در عمل نظام‌های توتالیتر از سر ناچاری مقابله با موسیقی‌ای را که موسیقی شیطانی می‌نامند کنار گذاشته‌اند. آلبوم تریلر مایکل جکسون هنوز هم از نظر نظام ولایت فقیه یک آلبوم موسیقی شیطانی است! □



روبه‌روی یک هتل در مونیخ که مایکل جکسون در آنجا در هنگام سفر به این شهر اقامت کرده بود. هنوز هواداران این خواننده افسانه‌ای برای این خاطره مونیخ، گل و یادگاری قرار می‌دهند.

(عکس از مزده حمزه تبریزی؛ مکان یادبود مایکل جکسون، روبه‌روی هتل Beyerischer Hof که محل اقامت او در سفر سال ۱۹۹۹ به مونیخ آلمان بود)



هراس از توتالیتاریسم هوش مصنوعی — که به توتالیتاریسم دیجیتال یا توتالیتاریسم پسامدرن نیز مشهور است — با اکران فیلم خارق‌العاده «اودیسه فضایی: ۲۰۰۱» اثر به‌یادماندنی استنلی کوبریک از سال ۱۹۶۸ میلادی جهان را در بر گرفت، هرچند، هوش مصنوعی از زمانی که در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد تا دهه ۲۰۱۰ میلادی پیشرفت چندانی نداشت، دورانی که به «زمستان هوش مصنوعی» مشهور شده است. از این دهه به بعد شاهد ظهور انفجاری کاربردهای هوش مصنوعی در جامعه بوده‌ایم و موضوع وحشت از توتالیتاریسم هوش مصنوعی دوباره بیشتر مطرح شد و در آثار هنرمندان مختلف جای گرفت.

اثر بالا، کودکان بارکُدی را که نمونه‌های مختلف آن از سال ۱۹۹۴ در نقاط مختلف دنیا ساخته و نصب شده است مجسمه‌ساز مشهور چک، دیوید چرنی (David Černý)، ساخته است، که وحشت هنرمندان را از فناوری هوش مصنوعی، پیش از رواج آن در پانزده سال گذشته نشان می‌دهد. نمونه بالا در پارک کامپا در شهر پراگ نصب شده است و تاریخ ساخت آن سال ۲۰۰۸ میلادی است، یعنی اوایل رواج هوش مصنوعی در دنیا.

عکس سمت راست برج تلویزیون ژئیکو در پراگ را نشان می‌دهد که بر روی آن ۱۰ کودک بارکُدی اثر دیوید چرنی در سال ۲۰۰۰ نصب گردیده است.

با این همه، برخلاف تصور وحشتناکی که پیشتر درباره توتالیتاریسم هوش مصنوعی وجود داشته است، ابزارهای رسانه‌ای و رایانشی ارزان‌قیمت و قدرتمند دوران پسامدرن در عمل پاشنه آشیلی برای این نوع توتالیتاریسم شده‌اند و از گوناگونی و کثرت بیش از دوران مدرن پشتیبانی می‌کنند. به عنوان مثال، طرفداران حجاب اختیاری در ایران در یک سال گذشته نشان داده‌اند که با وجود بهره‌گیری تحمیل‌کنندگان حجاب اجباری از نرم‌افزارهای بازشناسی چهره توانمندشده با هوش مصنوعی می‌توانند با ابزارهای پسامدرن در برابر اندیشه‌های حجاب‌پرستانه توتالیتاریستی‌ای که حتی دینی هم نیستند و در برابر سیاست‌های هم‌سان‌سازی بایستند.

(عکس‌ها از مژده حمزه تبریزی؛ پراگ)



برپایی توتالیترسیم و همچنین برپایی دموکراسی مدرن بدون رسانه‌های انبوه یا رسانه‌های گروهی (mass media) یک سو به و همچنین بدون ابزارهای محاسبه و ذخیره‌گرهای داده قدرتمند ممکن نبوده است. نظام‌های توتالیتر رسانه‌های گروهی را برای تبلیغات ایدئولوژی و ساخت انسان نوین و جامعه نوین به منظور هم‌سان‌سازی توده‌ها در انحصار خود می‌گیرند و از ابزارهای محاسبه و ذخیره‌گرهای داده قدرتمند برای ساخت پرونده اطلاعاتی مخالفان توتالیترسیم و اختناق سود می‌جویند.

در مقابل، در دموکراسی‌های مدرن رسانه‌های گروهی به عنوان رکن چهارم دموکراسی در اختیار مردم قرار می‌گیرند و ابزارهای محاسبه و ذخیره‌گرهای داده قدرتمند می‌توانند به مردم کمک کنند که کارآمدی دولت‌ها را ارزیابی کنند.

در عصر پسامدرن، شبکه‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌هایی دوسویه و چندسویه و همچنین کامپیوترهای قدرتمند ارزان‌قیمت در اختیار همه مردم قرار گرفته‌اند و هم‌سان‌سازی مردم و اختناق را سالبه به انتفاء موضوع کرده‌اند. از همین روی، این فناوری‌های پسامدرن هستند که برپایی جامعه توتالیتر دیجیتال را که وحشتناک‌تر از جامعه توتالیتر مدرن تصور می‌شود ناممکن کرده‌اند. از یک سو، دولت‌های توتالیتر دیجیتال برای برنامه‌های هم‌سان‌سازی افراد جامعه فقط با مقاومتی که در مدل ملت-دولت پدید می‌آید مواجه نخواهند بود، با مقاومت مردم جهان علیه توتالیترسیم دیجیتال در هر جای جهان روبه‌رو خواهند بود. از سوی دیگر، فساد و حریم خصوصی کارگزاران چنین دولت‌هایی که با بهره‌گیری از ابزارهای پسامدرن به حریم خصوصی مردم احترام نمی‌گذارند بیشتر آشکار خواهد شد. به عنوان نمونه، پی‌دی‌اف مقاله «انقلاب ویدئوی منتسب به مدیر کل استان گیلان، انقلابی علیه توتالیترسیم به کمک هوش مصنوعی» را بخوانید:

<http://rizpardazandeh.com/articles/riz301/riz301.pdf>

عکس سمت راست یک کامپیوتر Robotron 300

را نشان می‌دهد که شرکت Robotron در آلمان شرقی آن را بر بنیاد کامپیوتر مدل 1401 شرکت آی‌بی‌ام از سال ۱۹۶۹ میلادی ساخته است و قیمت بالای ۳ میلیون مارک آلمان شرقی را داشت. سرعت خواندن این کامپیوتر ۳۰۰ کارت پانچ در دقیقه بود (معادل حدود ۲۴۰ کیلوبیت در دقیقه یا ۴ کیلوبیت در ثانیه).

(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ موزه فناوری

درسدن، آلمان)

